

ارسالی م. ا. ابراهیمخیل

**گرامیداشت از خاطرهٔ تابناک رفیق شهید
محبوب «سنگر» یکی از درخشان چهره های
تاریخ سیاسی مبارزه های جنبش چپ افغانی**



نام: محبوب سنگر،

نام پدر: محمدشاه،

محل تولد: قریهٔ احمدزایی ولسوالی سرخورد ولایت ننگرهار.

رفیق محبوب سنگر دورهٔ تحصیل ابتداییه و متوسطه را در مکاتب مربوط به محل تولدش تمام نموده، شامل لیسهٔ هوانوردی ملکی (رشتهٔ مخابرهٔ هوانوردی ملکی) در شهر کابل گردیده، در اواخر سال ۱۳۴۴ بعد از ختم موفقانهٔ تحصیل مسلکی فوق، در میدان هوایی بین المللی کابل به صفت مأمور آغاز به اجرای وظیفه نمودند.

رفیق محبوب شهید از آوانِ نوجوانی، استعداد شعری و توانایی اندیشیدن و درک کردن را داشته، چنانچه سروده هایی از او که بازتابِ مظالمِ اجتماعی موجود و مخالفتِ وی را با آن پدیده ها نمودار میساخت، شاهد ادعای ماست.

نقش پدر در تربیهٔ سالم و تشویق وی جهت تحصیل علم و دانش ماندگار میباشد. تدویر کنگرهٔ مؤسس **حزب دموکراتیک خلق افغانستان** در سال ۱۳۴۳ خورشیدی و در نتیجه ایجاد حزب دموکراتیک خلق افغانستان، روحیهٔ انسجام بهتر مبارزان را در آن زمان باعث شده، چنانچه رفیق محبوب نیز در همان سال در حالی که متعلم لیسهٔ هوانوردی ملکی بود، افتخار آن را کمایی کرد تا عضو فعال و آگاه ح. د. خ. ا. شود، البته فضای مناسب و موجودیت رفقای آموزگار و متعلمانِ هم‌رزم در لیسهٔ هوانوردی ملکی نیز در مورد تأثیرگذار بود. حزب دموکراتیک خلق افغانستان به مثابهٔ مهد پرورش هزاران سرسپرده و انقلابی همچون رفیق محبوب سنگر مبدل گردیده بود و رفیق سنگر و سایر جوانان پاک اندیش و ترقیخواه، در اصولِ مرامی آن روزنه های بهروزی و دگرگونیهای بنیادی را در مناسبات اجتماعی مییافتند و مسؤولانه روز تا روز خود را با آگاهی طبقاتی و سلاح اندیشه یی انسان زحمتکش (جهانبینی علمی) مجهز میکردند.

یکی از وجوه برجسته و کارنامه های جاودان رفیق محبوب سنگر، به دوش گرفتن سِمَتِ مربی – کارمند حرفه یی حزب جهت پیشبرد کنفرانسهای تیوریک- فلسفی و تبلیغ اصول مرامی حزب محبوبش در ولایتهای مختلف کشور، از جمله کندهار میباشد.

رفیق محبوب سنگر در ضمن کار توضیحی میان تحصیلکرده ها، دهقانان، کارگران و سایر اقشار اجتماعی مربوط به دنیای زحمت زمینه های جلب و جذب دهها و صدها جوان را به صف مبارزه در تشکیل حزب دموکراتیک خلق افغانستان مساعد کرده موفقیتهای چشمگیری را رفقای که از او شناخت دارند شاهد میباشند.

رفیق سنگر شهید کارهای ارزنده و خسته گی ناپذیری را برای انکشاف پایه های جنبش چپ کشور بدون هر نوع تنگنظری و فرکسیون بازیهای معمول و غیرانقلابی که میان عده یی از حلقهٔ رهبری حزب رواج داشت، انجام داده است؛ چنانچه در دوران حاکمیت محمد داود، موصوف در ولایت فراه مصروفِ تکثیر طرح قانون اساسی جمهوری

وقت بود و با خود بعضی اسناد و مدارک تیوریکِ مربوط به جنبشهای چپ جهانی را نیز غرض توزیع حمل میکرد که از جانب پلیس و ارگانهای امنیتی رژیم وقت بازداشت میشود. رفیق سنگر قبل از آن که از جانب پلیس تلاشی بدنی گردد، لستی از اعضای سازمان مخفی رفقای حزبی ولایت فراه را که با خود داشت میبلعد و نمیگذارد تا به دست نیروهای امنیتی بیفتند، اما سایر اسناد تبلیغی و تیوریکِ حزبی را مقامهای امنیتی و پلیس به دست می آورند.

گرمای سوزان تابستانِ ولایت فراه و پارچه های کاغذِ بلعیده شده برای رفیق سنگر تکلیف آور بود، اما با این از خودگذری رفیقانه توانست عده زیادی از رفقای همزمش را از پیگرد، شکنجه و آزارِ رژیمِ مختنق داود برهاند.

من (م. ا. ابراهیمخیل) که در حلقه ارتباطی حزبی رفیق سنگر شامل بودم، به بهانه بی توانستم در توقیفخانه پلیس به دیدنش بروم. وی به من قطعه شعری را که به نام «ای وطنه» سروده بود داده، سفارش رفیقانه نمود تا به پدر و مادرش در شهر کابل ببرم و برایشان قرائت نمایم، که کردم.

مدتی بعد با دستها و پاها بسته در زنجیر و زولانه رژیمِ سرکوبگر داود، به زندان کابل انتقالش دادند. در حین انتقال وی از طریق ولایت کندهار؛ - در قسمت چوک شهیدان شهر کندهار، در حالی که عده بی زیادی از رفقای همزمش تجمع نموده بودند با شجاعت و بیباکی انقلابی خطاب به آنها شعار داد که: **راه ما حق است! زیرا در دفاع از منافع زحمتکشان قرار داریم.**

بالاخر پیروزی زحمتکشان حتمیست! پس ما باید رسالت تاریخی خویشرا فراموش نکرده، آن را صادقانه انجام بدهیم!!!

در اصل شعار فوق پیامی بود به همه اعضای پُرافتخارِ حزب که سنگرهای مبارزه شان را رها نمایند و آن را امرِ سترگ و تاریخی تلقی نمایند. رفیق محبوب سنگر بعد از رهاییش از زندان، به فعالیتهای سازنده به امر حزب ادامه داده، طرفدار ایجاد یک حزب یکپارچه، نیرومند و چپ بنیادی برای تحقق خواستههای برحق اجتماعی توده های ستمکشِ جامعه افغانی بود.

یکسال بعد از پیروزی حزب و تشکیل دولت، در سال ۱۳۵۸ از جانب حفیظ الله امین برای بار دوم زندانی گردید. بعد از رهایی از زندان به صفت منشی کمیته حزبی ولایتی ننگرهار در شرایط نهایت خراب سیاسی - امنیتی به اجرای تعهدهای انقلابی خود پرداخت و با ایجاد تشریک مساعی رفیقانه بین ارگانهای مسؤول حزبی و دولتی توانست بر وضع آشفته و ناامن آن ولایت حاکم گردد و پیروزیهای چشمگیری را نصیب حزب و حاکمیت نوپای آن نماید.

رفیق محبوب سنگر اشعار زیادی سروده که همه استوار بر اصول ریالیزم بوده، در انسان تحرک، برده باری و روحیه عشق به انسان را ایجاد میکند. از رفیق سنگر صرف یک مجموعه شعری زینت چاپ یافته است.

موصوف مدتی از دوره پُرافتخار کاری اش را در رادیو-تلویزیون کابل سپری کرده که بعضاً بعد از ساعت ده شام در پروگرام «زمزمه های شب هنگام» اشعارش را دکلمه میکرد. رفیق سنگر منحیث سپاهی حزب و عنصر آگاه و خدمتگذار مردم، در شرایط پیچیده سیاسی-امنیتی ولایت کنرها؛ - به امر حزب منشی کمیته حزبی ولایتی ولایت مذکور تعیین شده و جهت آوردن آرامش و ایجاد فضای صلح آمیز به اهالی آن ولایت از هرگونه از خودگذری دریغ ننموده، تا دوردست ترین مناطق کشورش سفر میکرد و اهداف انسانی حزبش را به مردم توضیح مینمود و موفقیت‌هایی را نصیب میگردد که موجب ایجاد خشم دشمنان قسمخورده بربادی وطن قرار میگرفت. چنانچه بعد از بازگشتش از یک جرگه قومی در یکی از قصبه های دوردست ولایت کنرها دشمن محیل و توطئه گر با استفاده از شیوه های فراگرفته شان از بادران عرب، پاکستانی و ارتجاع تاریک اندیش تنظیمی-جهادی ناجوانمردانه دست به عمل میشوند و رفیق محبوب سنگر را مجال خدمتگذاری بیشتر به کشور و مردمانش نمیدهند و با ترور وی عطش ناپاک و پایان ناپذیرشان را فرومینشانند و لکه یی بر لکه های ننگین در تاریخ سیاه شرارت پیشه گی شان می افزایند. و اما فرزند صدیق خلق زحمتکش افغانستان صفحه درخشان جدیدی را برای نسلهای آینده و آنانی که میراثدار آرمانهای شریفانه و انسانی ابرمردان تاریخ مبارزه

های ترقیخواهانه جنبش چپ انقلابی سرزمین ما، میباشند میگذایید و افتخار جاوید را
ضمیمه نام جاودانش مینماید.

رفیق شهید محبوب سنگر در جوار هزاران رفیق به خون نشسته اش در شهر کابل
در تپه شهدا به خاک سپرده شده است.
رفقاییش در بالای قبرش نوشته اند:

چه پیدا شوی ته ژرل خلک خدا کا، هسی هر شوی تا خندل خلک ژرا کا.

یادداشت:

خاطره ها و معلومات لازم درباره رفیق شهید را محترم محمد انور ابراهیم خیل به ما
ارسال داشته اند، که توسط طارق پیکار ترتیب و نگارش یافته است.

از همه رفقا، همکاران، همزمان، دوستان، اعضای فامیل و سایر هموطنان و کسانی
که از هر نقطه نظر با رفیق سنگر آشنایی، شناخت و خاطره یی از آن دارند، تقاضا میگردد
تا به منظور آرایه مفصلتر معلومات و شناخت بهتر و بیشتر از رفیق شهید یادداشتهای، نامه
ها، خاطره ها و پیامهای شان را به ما بفرستند.

که جوغه د جواهر و ور په سر کری
دنری ټول نعمتونه ورتنه ور کری
او د ژوند خونه یی جوړه له سره زر کری
دی واکمن د هوا، ځمکي، سمندر کری
څه په کار چي د بل لاس لاندې ژوندون وي
خپلواکي دی وي که ټول ژوند زړه چاودون وي

زما ولسه

خانانو خوله درماته کړې هيڅ ويلای نشي
خوني منگولو کې يې بنکيل خان خلاصولاي نشي
د ملکانو تر ظلمونو لاندې ورکک او سپک شوي
بی پته ژوند شو درته پاتي پت گتلاي نشي

که يې حاکم دی، که قاضي دی که کوتوال خارنوال
که صدر اعظم دی، که وزير دی، که والي که بناروال
پاچا لوی غل دی تاراک گر دی ټول هموار يې لوټ کړ
ستا ټوله شته، پت او ناموس يې درته کړلو پاپمال

زړو لوی خيتو څخه جوړه د مشرانو جرگه
په غلو ده ډکه د شوری د وکیلانو جرگه
همدا يې کار دی دا يې دنده پي ويارنه کوي
د لوټ تالان لار لتوي د وزيرانو جرگه

چي تا واکمن کړ اوس هغه د تا واکدار شو دلته
کو يې در وړان کړ چې بر لاس دا تور سرکار شو دلته
چي نه يې نوم و نه يې پلار او نه يې مور معلومه
د بل نوکر چې راغي دلته نو بادار شو دلته

ته ورته گوري سپيني سپيني دی ستا کور وړانوي
دی ستا له زيرمو په د باندې کې مانی جوړوي
لږ همت وکړه لاس يې مات کړه چې هميش ترې خلاص شي
کنه نو دی ستا په لرغوني هيواد اور لگوي

د زمري مياشت ۱۳۵۱ کال
کندهار- د فتح خان کوڅه

(د «سنگر نغمي» د شعرونو له ټولگي څخه)